

او صلیب خود را به دوش گرفته و یکی از پیروان های ن می گردد

خطبه انجیل مرقس فصل 8 ایه 31-38



واژه باید برای ما انسان ها همیشه به معنای خوبی نبوده زیرا ما بر مبنای ان بایستی یک عملی را که نمی پسندیم را در تحت فشار انجام دهیم. در زمان اصلاحات مارتین لوتر ما یکی از این مفهوم های غیرعادی کلمه باید را به واضح می بینیم. لوتر در ان هنگامی که از روحیه نچندان خوبی برخوردار بود می بایستی روراستی خودش را در برابر خداوند نشان دهد. او در این حالت چقدر از این تکلیف می بایستی رنج کشیده باشد؟ البته این را نباید فراموش کنیم که او می توانست به این عمل نه هم بگوید. او این کار را کرد تا ما امروز از این کلمه باید رهایی یابیم. انجیلی که عیسی برای ما به ارمغان آورده است ما را از این بایدها ازاد نموده است.

عیسی می بایستی طبق برنامه خداوند ، تمام نکته های او را انجام می داد و برای تحقق ان به صورت یک پسری بسیار مطیع بر روی صلیب کشته می شد. این یک بار خیلی سنگینی می باشد که هیچ انسانی تحمل ان را نمی تواند داشته باشد. شاگردان عیسی پس از مرگ او سعی داشتند به همه این را اطلاع دهند که عیسی خیلی بیشتر از این که انها فکرش را می کردند زجر

کشیده است. به همین خاطر پترس شروع به منع کردن عیسی از این کار می نماید. او نمی خواهد عیسی زیر این تکلیف بی چون و چرا قرار گیرد. ولی عیسی خیلی سریع از جمله های پترس درمیآید که این فقط کلمات شیطان می تواند باشد و به همین خاطر به او می گوید دور شو از من ای شیطان. اینجا شما می توانید قصد و نیت انسانی و شیطانی را در شاگردان عیسی به وضوح بنگرید. و این دقیقا یکی از خصوصیات وجودیت یک انسان می تواند باشد.

برای هرکس این پیش آمده است که در جایی که ما قصد انجام عمل نیکویی را داریم دقیقا در همان جا شیطان در پشت زمینه ان قرار دارد. حال چقدر اینگونه خواست های مثبت ما در واقع نیت های شیطانی داشته است. پترس اولین کسی بود که اتفاق صلیب را نمی خواست قبول نماید زیرا این رویداد با منطق او سازگار نبود. و بعد از او هم خیلی ها به این عقیده روی آوردند مثلا در دین اسلام تفاوت بزرگ خود را با دین مسیحیت را صلیب عنوان می دارد. اسلام به این عقیده می باشد که عیسی بر روی صلیب کشته نشده است و ان را رد می کند هرچند که تمام زیربنا و کلیت انجیل بر روی صلیب استوار می باشد. این نظریه فقط برای ان دورانها نمی باشد بلکه امروزه حتی مسیحیانی هستند که به این باورند ، ماجرای صلیب فقط یک سمبل برای دین مسیحیت می باشد و چهره بی رحم صلیب برای دین مسیحیت مناسب نمی باشد. قضیه صلیب برای عده ای غیر قابل قبول بوده و عده ای دیگر هم قصد کم کردن ارزش ان را دارند. در اینجا باز هم عیسی می بایستی دوباره بگوید که : دور شو از من ای شیطان. در پشت پرده واقعه صلیب فرمان بی چون و چرا خداوند قرار دارد. بدون صلیب ما دیگر هیچ ناجی نخواهیم داشت و در گناه ، شیطان و مرگ سیاه خواهیم ماند. بله ، جایی که ما باید انسان ها به ان تعلق داشته باشیم یعنی مرگ ، عیسی ان را در صلیب برای ما از بین برده تا ما جاودان زندگی نماییم مسئله ای که فهمیدن ان کار اسانی نمی باشد.

اکنون این مسئله برای خود ما نیز صدق می نماید جایی که صلیب برای ما یک دو راهی می شود که جاودان شدن و یا مرگ ما در ان قضاوت می گردد. برای همین عیسی شاگردان و قوم خودش را برای توضیحات

آخر فرا می خواند. او در اینجا شاگردان و تمام قوم ها را بر دوش خود برداشته و به سوی صلیب رهسپار می گردد.

عیسی می گوید: کسی که قصد پیروی کردن من را دارد بایستی خودش را انکار کرده و صلیبش را بر دوش گرفته و به دنبال من آید. عیسی با این جمله چه چیزی را به ما می خواهد بگوید؟ عیسی صلیب را به تنهایی بر دوش گرفته و ان را عملی ساخته است و حال ما بایستی صلیب خود را بر دوش بگیریم؟ آیا کسی که مسیح را پیروی می کند با او به مرگ می رود؟ بعدها پولس در نامه ای می نویسد: یک نفر کشته شد تا بدین ترتیب همه کشته بشوند. عیسی همه ما را باخود در غسل تعمید می برد و ما در آنجا به همراه او به صلیب کشیده می شویم و تمام بی ایمانی ها و پلیدیها و تمام چیزهای مخالف خدا در آنجا از بین می روند. این تصمیم نمی تواند برای همه ما خوش آیند باشد چراکه ما با این مقصود می بایستی از خیلی چیزهای دوست داشتنی خودمان چشم پوشی کنیم تا بتوانیم دنبال او مسیح شویم. این عیسی که در پای صلیب کشته می شود به اشکارا این را می دانست که 12 شاگردش که اکنون در حال تماشای او هستند، بعد از مرگش او را پیروی خواهند کرد. آنها با از دست دادن زندگی شان ثابت کردند که به عیسی ایمان دارند. عیسی همه ما را در این راه با خود می برد و حال چه مقدار ما از این راه را می توانیم ببیماییم و یا در آن بمانیم خود مسئله مهمی می باشد. معنی که اینجا عیسی از صلیب برای ما عنوان می کند، به رسمیت شناختن نجات ما توسط صلیب می باشد. پیرو صلیب از نظر خداوند به این معنی می باشد که مفهوم و هدف واقعی صلیب در ما برقرار گردد. عیسی برای بهتر فهمیدن این امر به ما می گوید: هرکس که می خواهد زندگی اش را بدست آورد ان را از دست خواهد داد و هرکس زندگی اش را بخاطر من و انجیل از دست بدهد او زندگی واقعی را بدست خواهد آورد. عیسی از ما می خواهد که ما خودمان را آزمایش کنیم. آیا ما یکی از پیروان خوب او هستیم؟ آیا ما انقدر به مسائل دنیوی دلبستگی پیدا نکرده ایم که دیگر مراسم و آیین های واقعی خودمان را فراموش کرده ایم؟ حال چه چیزی به درد ما می خورد اگر ما یک مراسم عبادت زیبا در یک ساختمان مجلل و موزیک بسیار زیبا داشته باشیم ولی خالی از روح معنوی باشیم. بله اینجا ما روح معنوی خودمان را از دست خواهیم داد برای اینکه ما تمام پایه و اساس زندگی خودمان را بر مبنای خواست ها و امیال انسانی خودمان بنا نهاده ایم. یک پیرو حقیقی ان است که در هر شرایطی انسان ها را جستجو کند و آنها را بیابد و فرقی هم نمی کند که در ان کار برای او چقدر هزینه بردارد. عیسی راه خودش را تا صلیب به پیش گرفت و از بی توجهی و مرگ و اهانت های دیگران باکی نداشت. هر کاری که عیسی در ان زمان انجام داد یکی از بزرگترین پیروزی های او بشمار می آید. آیا ما هم می توانیم پیروزی مان و زندگی باارزش مان را ارزو کنیم تا عیسی در مقام بالاتری قرار گیرد؟

در اینجا پترس در مقابل من قرار دارد و او بهترین چیزها را برای عیسی می خواهد ولی او با سخت ترین نكوهش تمام عمرش مواجه می شود. حال من چگونه در مقابل عیسی قرار گرفته ام؟ اینجاست که ترس به سراغم می آید، وقتی که همه برمی گردد به داشتن و یا نداشتن همه چیز در زندگی ام. یا من در تمام زندگی دنیوی ام پیروز بوده ام و روح معنوی خودم را از دست داده ام و یا زندگی خودم را از دست داده ام تا به عیسی برسم. من در برابر کلام و اراده خداوند خیلی نا امید می شوم چرا که این عیسی بود که بالاترین و مهمترین حکم خدای پدر را در صلیب انجام داد و در این رویداد است که من چهره حقیقی دین مسیحیت و خود عیسی و زندگی واقعی خودم را می بینم. و به عنوان یک پیرو مسیح می توانم به ان فکر کنم. عیسی در این حالت است که به من بله می گوید چراکه او به اندازه کافی به من برکت داده است. در پایان سخن عیسی این جمله قرار دارد: او به زندگی واقعی دست خواهد یافت. در اینجا این به این معنی نمی باشد که ما تمام زندگی مان و یا تمام هستی مان را از دست خواهیم داد بلکه عیسی زندگی جاویدان را برای ما به ارمغان می آورد. این تمام هدف عیسی از مرگ و زندگی اش بود تا ما به زندگی همیشگی دست پیدا نماییم. در زندگی مسیحی همین است که انسان ها خودشان را برای دیگران فدا می نمایند و با این عمل خشنودی

وصف ناپذیری در زندگی شان پدیدار می گردد. انسان ها مقام خودشان را در اینجا از دست می دهند تا ان را در نزد خداوند بیابند. ما نبایستی نسبت به موفقیت ها و ناکامی هایمان چشم بپوشانیم چون ما بدون هیچ اراده ای به خداوند اعتماد کرده ایم . ما بدون اراده به او اعتماد می کنیم زیرا او بوسیله عیسی به همه مردم بله گفته است.

امین